

دینامیک شهری یا نیروی محرکه شهرها (نگرشی جدید بر توسعه و گسترش شهرها)

قسمت اول

مقدمه:

در طول عمر يك نسل سیما و بافت فیزیکی شهرهای جهان آنچنان دستخوش تغییر و نوسازی شده که در طول تاریخ جز در پی حوادث مهم چنین دگرگونی بوقوع نپیوسته است. نیازها، ذوق و خواست عمومی در ارتباط با شکل و بافت اجتماعات انسانی و مساکن کاملاً تغییر یافته و نقش عوامل اقتصادی، فرهنگی و عوامل تصمیم گیرنده در تغییر چهره زندگی شهری بیش از پیش افزایش پیدا کرده است. در نتیجه در طول دهه‌های اخیر، برخورد نیروهای اقتصادی و اجتماعی ضمن تغییر و نوسازی فضای ساختمان شده شهری، نواحی اطراف آن را نیز بطور وسیعی در یک سیمای کاملاً جدید از شهرسازی مدرن و امروزی به فضای کالبدی شهر افزوده است. انقلاب شهری که بدنبال انقلاب صنعتی در اروپا ظاهر گردیده بود در این دوره دستخوش تحول و دگرگونی عظیمی شده و آشفتگی زیادی در روند تمدن و فرهنگ شهری، منجمله در شکل و عملکرد شهرها پدیدار می‌گردد. بدین ترتیب توازن و پیوستگی فضای کالبدی و نقش عناصر مهم آن درهم می‌شکند. با پیروی ناآگاهانه از شیوه‌های توسعه و راه‌حل‌های فرهنگ شهرسازی غرب، کشورهای دیگر جهان نیز از این دگرگونی در امان نمی‌مانند و اکثر شهرهای جهان از جمله شهرهای ایران که چهره و بافت خود را از ویژگیهای فرهنگ اسلامی ناحیه‌ای و کشوری طلب می‌کردند، یکباره در جریان این تحول و دگرگونی قرار می‌گیرند.

مقاله حاضر که در ارتباط و اقتباس از مفاهیمی تحت این عنوان از جمله از کتاب «دینامیک شهری»^۱ به رشته تحریر درآمده است، ضمن ارائه بحث و مفهومی تازه در جغرافیای شهری امروز نمونه والگوی جدیدی را در روند توسعه و چهره جدیدشهرها ارائه می‌دهد و نقش عناصر مهم اقتصادی، اجتماعی و تکنیکی امروز را در تغییر چهره شهرها، مخصوصاً آنجا که به فضای ساختمان شده مربوط می‌گردد، در مفهوم جدید «دینامیک شهرها» مورد بررسی قرار می‌دهد، و زمینه تازه‌ای را در مطالعات، آمایش و نوسازی شهرها در هدفهای متعدد عنوان می‌نماید.

نیروی محرکه شهری:

هیچ قانون جمعیتی بطور مستقل وجود ندارد و تمام جوامع انسانی بخصوص شهرها از تعلق به مجموعه‌هایی که بر حسب مورد، اصطلاحات فضای جغرافیائی، ناحیه، سیستم و یا شبکه به آنها اطلاق می‌گردد و موجودیت پیدا می‌نمایند و تمام تغییرات داخلی آنها در ارتباط با این مجموعه‌ها شکل می‌گیرند. در واقع این مجموعه‌ها هستند که با ریتم‌ها و آهنگ‌های اسامی خود، مثلاً بنیادهای اقتصادی و رفتارهای جمعیتی را با نیروهای متفاوت بر شهر تحمیل می‌کنند. این نیروها که نیروهای برون‌زا نامیده می‌شوند در سطوح متفاوت عمل می‌نمایند و گاهی وقتها شعاع عملشان در کادر ناحیه‌ای، منطقه‌ای و کشوری پراهمیت و گاهی حتی در سطح بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. مسلماً قانون‌های جمعیتی نیز در برخورد نیروهای خارجی از خود عکس‌العمل نشان می‌دهند. بافت کالبدی شهری يك صحنه عمل کاملاً باز برای قدرت‌های برون‌زا نیست و بر حسب ترکیبات، محتوی و نقش شهر، دینامیک داخلی مخصوص شهر را ایجاد می‌نماید. این دینامیک داخلی مخصوص، اصولاً از منطقی تبعیت می‌کند که ممکن است صرفاً از کادر ملی که شهر به آن تعلق دارد ناشی نگردد، مثلاً در يك قانون

جمعیتی، جایگزینی مسکن طبقات مختلف اجتماعی، تقسیم فضائی کلی و جزئی آنها قبل از هر چیز از ارزش‌های داخلی ناشی می‌گردد که جز یک رابطه اتفاقی با روند سیستم اقتصادی که اصل آن در تصمیمات ملی یا دولتی نهفته است ندارد. مسلماً بازگشائی کلاف پیچیده این علل داخلی و خارجی مشکل است و دشواریهای این عوامل مخصوصاً در تاریخ و گذشته شهرها مقدم بر عصر حاضر، حقیقت دارد.

۱ - دینامیک فضای کالبدی شهرها:

علیرغم سیمای همیشگی که فضای کالبدی شهر به آن می‌بخشد بافت شهر از نظر گذشته تاریخی یک تحول عمیق را در تغییرات داخلی خودش نشان می‌دهد. عوامل متعدد در این تغییرات مؤثر واقع می‌شوند، در میان عوامل مهم در انجام این تحول و تغییرات آشوبهای سیاسی و حوادث طبیعی (مثل زمین‌لرزه، آتش‌سوزی، جریان سیلاب‌ها) از علل مهمی هستند که به‌سادگی قابل تشخیص و قابل ذکر است. بدون شك نقش آتش‌سوزی‌های فراموش‌نشده‌ی مثل آتش‌سوزی شهر لندن در سال ۱۶۶۷، رن *Rennes* در سال ۱۷۳۱ و هسکو در سال ۱۸۱۲ که نقطه آغاز مورفولوژی جدید شهرهای مذکور بودند بی‌رابطه با این عوامل نیستند. بعد از آتش‌سوزی مشهور شیکاگو در سال ۱۸۷۱ بود که آسمان‌خراشها بطور نمایان در این شهر ساخته شدند و یا ساختمان جدید شهر توکیو بدنبال زمین‌لرزه سال ۱۹۲۳ آغاز و تکامل یافته است.

با این وصف در سوابق تاریخی تغییر و تحولات ساختار کالبدی شهر، بنظر می‌رسد که توجه روی عوامل و جریانات دیگری باید معطوف گردد و آن دگرگونی و وصله‌کاریهای مستمر فضای کالبدی شهر است که در نتیجه کهنگی، فرسودگی و از رونق افتادگی قطعات ساختمان‌شده الزامی گشته‌اند. این عملیات پراکنده ولی در عین حال متوالی و مستمر که چهره شهر را دائماً تغییر می‌دهد، متأسفانه در سایه عملیات گسترده و وسیع یا عملیاتی که در نتیجه خواست و اراده افراد حادث شده و نوشته‌ها و اسناد تاریخی مدارک

بیشتری را در مورد آنها ارائه می‌دهند، در ابهام افتاده است. با اینهمه با در نظر گرفتن کلیه این عوامل، سوابق و تغییرات مراحل تاریخی شهرهای جهان را به شرح زیر می‌توان بیان کرد:

الف- شهرهای ماقبل دوران صنعتی شدن: شهرها در این دوران بعلت تحمل تنگناهای دفاعی که از اواخر قرون وسطی (مخصوصاً در اروپای غربی) کمبود فضایی خاصی را نشان می‌دادند. در قرن شانزدهم با توسعه پایه‌های اقتصادی در اروپا سرمایه‌گذاریهای شهری ظاهر گردید که شهر را از یک طرف به جدایی مناطق مسکونی و مناطق کار هدایت و از طرف دیگر برای گروههای خیلی مرفه اشغال انتخابی فضای شهری را در مجاورت ساختمانهای عمومی، نواحی خوش آب و هوا یا ساحل رودخانه‌ها و خیلی کمتر در حومه‌ها فراهم آورد.

در این دوره با در نظر گرفتن اهمیت عوامل نا پدیدار کننده محیط زیست (مثل آتش سوزی‌ها، اپیدمی و امراض) شهرها کمتر بزرگ شدند و تمام تغییرات بر روی یک فضای عملاً پایدار و ثابت (مثلاً در داخل حصار شهر) انجام می‌گرفت و چنین به نظر می‌رسد که شکل‌گیری فضای کالبدی شهرهای ماقبل صنعتی شدن از ساختارهای اجتماعی بیش از ساختار اقتصادی تبعیت می‌کردند و بطور خیلی محدود فضای شهری با ظهور سرمایه‌داری و میل به سودجویی بر روی زمین ارزش تجارتنی به خود گرفته باشد. فقط در جریان قرن هیجدهم بود که یک دادوستد واقعی بر روی واحدهای مسکونی بر پایه ظرفیت اقتصادی افراد آشکار شده است.

به‌طور کلی در طول قرون، دینامیک یا قوه محرکه‌ای را در داخل شهرها می‌توان دنبال کرد که در شرایطی و در نقاطی استفاده از فضای شهری را تشدید کرده و در جای دیگر به همان وصله کاریهای مستمر ادامه داده است. با تمام این احوال این نوسازی‌ها و وصله کاریها بطور قاطع به امنیت، آرامش و قدرت اقتصادی شهر بستگی داشته‌اند.

شهرهای کشورهاییکه عملاً از صنعتی شدن به دور بوده‌اند و یا در حاشیه آن قرار داشتند مثل کشورهای اروپای شرقی، کشورهای اسلامی،

افریقا یا امریکای جنوبی، بطور بطئی و در راستای مسیر حوادث تاریخی، اجتماعی و خیلی کمتر اقتصادی به زندگی و رشد خود ادامه داده اند.

ب - شهرها در دوران انقلاب صنعتی: سیمای عمومی شهرها در این دوره با تحولات پایه‌های اقتصاد شهری و تسورم سریع تعداد مساکن که نتیجه افزایش مهاجرت بود، شکل می‌گیرد. بدون شك این عمل موجب وسعت یافتن قابل ملاحظه فضای ساختمان شده شهری می‌گردد که همراه مساکن عمومی دیگر مثل ایستگاههای راه آهن، مؤسسات صنعتی و حومه‌های مسکونی کلاً فضای ساختمان شده شهری را به وجود می‌آوردند. محدودیت تکنیک و ترانسپورت به نگهداری و التصاق فضائی و وظایف مختلف شهری کمک می‌کرد در حالیکه در بخش مرکزی يك رقابت فزاینده در فضای ساختمان شده بوجود آمده بود.

در محلات مرکزی تراکم مشاغل، تجارت و سرویسهای مختلف يك عامل ترمز کننده و عقب‌زننده در نقش مسکونی که بیانگر استقرار «عوامل مرکزی» است بوجود آورده بودند. بدین ترتیب در تمام شهرهایی که در طول قرن نوزدهم از صنعتی شدن متأثر بودند می‌توان تغییرات زیر را ملاحظه کرد:

۱ - گرایش فضای شهری به تخصص نقش آنها مخصوصاً با تراکم انتخابی فعالیت‌های خدماتی (گروه سوم شغلی) در بخش مرکزی شهر.

۲ - گسترش فضائی بخش مرکزی شهر با حذف نواحی مسکونی یا محلاتی که قبلاً محل سکونت يك گروه مرفه بوده است.

اصولاً توسعه بخش مرکزی با يك لغزش تمرکز همراه بوده است و در اغلب موارد محور گسترش ترجیحی بخش مرکزی با ایجاد راههای جدید که اغلب بطرف ایستگاههای راه آهن بود مشخص می‌شده است. بناهای تازه که روی این خط نفوذ، ساختمان شده بودند بطور خیلی وسیعی تسلط بخش مرکزی را بر ساختمانهای مسکونی جدید و فعالیت‌های مربوط به نقش جدید شهرها را مساعد ساخته بود.

درواقع می‌توان گفت که ایجاد این شریانهای عریض جز يك نمونه

از سیاستهای خیلی متداول شهرسازی در زمان خود چیز دیگری نبوده است که به سازماندهی تازه و تغییرات عمیق سیمای شهری و تغییرات محتوایی مجلات خیلی قدیمی و فرسوده گرایش پیدا کرده است. این نوسازی ارادی بوسیله دخالتهای قدرتهای سیاسی حاکم اعمال و ادامه داشته است. ایجاد ساختمانهای عمومی و مجلل، شهرداریها، موزهها، ساختمان ادارات و کاخها از آن جمله اند و اگر این ساختمانها از خرابیهای دو جنگ جهانی به دور مانده باشند، سیمای آنها تا سالهای ۶۰ - ۱۹۵۰ بیش از یک قرن تغییر نیافته و با رتوش و دستکاری حاشیه‌ای احتیاجات یک اقتصاد و زندگی شهری را با تعمیرات مداوم آن برطرف نموده اند.

ج - دینامیک شهری در بین دو جنگ جهانی: در این دوران نیروهای مؤثر در شهر اثرات خود را بطور وسیعی در حواشی شهرها انجام داده اند. دینامیک فضای ساختمان شده شهری در مراکز فقط با یک دستکاری و اصلاحات در محتوای آنها نمایان گردیده و قالب کلی آنها دست نخورده باقی مانده است. در مجلات قدیمی و نزدیک به بخش مرکزی شهرها یک جریان کند تخریب و انحطاط به وجود آمده بود و با قطعات پراکنده در اروپای مرکزی و شرقی و بطور کلی کشورهای انگلیسی‌زبان منطقه، تحول این شهرها را بوجود آورده بودند. با اینهمه فضای ساختمان شده بندرت هدف یک تغییر اساسی و کامل قرار گرفته بود، مگر عملیاتی بر روی قطعات و قسمت‌هایی که از نظر بهداشتی برای سلامتی ساکنان شهر مضر بوده است. بطور کلی دینامیک شهری در این دوره به یک روند حومه‌نشینی یا زندگی فوق‌شهری گرایش پیدا نموده بود.

در دیگر شهرهای جهان که در مسیر صنعتی شدن قرار داشتند، دینامیک شهری ضمن اینکه از دخالتهای استعماری به دور نبوده و از آنها تبعیت می‌کرده، شهرها اجزاء مختلف تشکیل‌دهنده خود را با طبیعت متمایز پهلوی هم قرار داده بودند. این شهرها بطور سنتی به استثنای نقش آنها که بطور بطئی تحول می‌یافت، اساساً تغییری حاصل ننموده‌اند. اثرات فعالیت‌های جدید و نیاز به واحدهای مسکونی یا بصورت محلات جدید و یا

با يك مجتمع مسكونی كاملاً مجزا از هسته‌های اولیه شهر بوجود آمده بودند. درچنین شرایطی شهرها درمقابل دینامیک گسترش فضائی شهر قرار داشتند نه درمقابل دینامیزی که بتواند تغییرات فضای ساختمان‌شده شهری را موجب گردد.

بطور کلی در قرن نوزدهم شهرهای قاره‌های آسیا، آفریقا و امریکای لاتین با ویژگیها و خصوصیات مخصوص به خود به‌جز آن نواحی که تحت استعمار کشورهای اروپائی بودند، بطور سنتی و بطئی و در جریان حوادث تاریخی و اجتماعی - اقتصادی داخل خود تحول می‌یافتند. اغلب شهرهای آسیائی و آفریقائی با تأثیرپذیری از اقتصاد و اجتماع خاص ملل شرقی و اسلامی با تاریخ گذشته خود كاملاً درارتباط بودند. برخی از آنها ضمن حفظ اثرات استعمار و اقتصاد دولتهای صنعتی سرچهره خود وهم‌چنین عوامل و اثرات جنگ جهانی اول و دوم به‌دوران جدید تحولات شهری، از بعد از جنگ جهانی اول بطور بطئی وبعد از جنگ جهانی دوم بطور سریع پا گذاشته‌اند.

توضیحات مختصری که درباره موقعیت‌های مختلف تاریخی دینامیک فضای شهری بیان گردید، یادآور استمرار و قدمت دینامیکی فضای ساختمان‌شده شهری است. به‌استثنای دوره‌های مصیبت‌بار که باعث تغییرات اساسی در فضای ساختمان‌شده شهرها گردیدند، بنظر می‌رسد که دینامیک شهری ریتم کندی را در نوسازی شهری طی کرده و با اینکه تغییرات در محتوی واحد نهائی انجام گرفته ولی تغییر در قالب اساسی را به‌تأخیر انداخته است. عملیات و تغییرات که در قالب شهرهای بزرگ در نیمه دوم قرن نوزدهم شروع شده بود اولین تظاهر از هماهنگی هدفهای مسئولین سیاسی با منافع يك طبقه بورژوازی موفق شهری بوده است. با این‌وصف عدم تداوم این هماهنگی، سرمایه‌گذاران را تا آغاز جنگ جهانی دوم به سرمایه‌گذاری در زمینها و فضاهاى باز، یعنی حومه شهری تشویق و ترغیب نموده است. بدین ترتیب فرسودگی و تخریب وسیع ساختمانهای ساخته‌شده قبل از سال ۱۳۱۴، اثرات تخریبی جنگ جهانی دوم ومهمتر از

همه تغییرات عمیق در سطح زندگی مردم و اقتصاد ملی کشورهاست که نزدیک به ۴۰ سال است که سیمای نقش و بافت کلی محلات قدیمی شهرها را در معرض تغییر قرار داده است.

شهر و حوزه نفوذش

شهر با یک فضای خارجی که ابعاد متفاوتی دارد تکمیل می‌گردد. نیروهائی که این فضا را در حوزه نفوذ شهرها قرار داده است با جریان پولاریزه و شعاع عمل هر یک از شهرها مشخص می‌شوند. بدین ترتیب قلمرو حوزه نفوذ شهری و تغییرات آن موجبات تشدید یا برهم خوردن دینامیک فضای ساختمان‌شده شهری را فراهم آورده یا موجب تنظیم آن می‌گردد:

الف - فضای سیاسی - اداری شهرها :

عوامل سیاسی و تغییرات آن می‌توانند مجموعه شهر و قلمرو نفوذی آن را با ایجاد شرایط مساعد یا نامساعد در امر سرمایه‌گذاری، بطور کامل تغییر دهند. سلسله طبیعی خیلی متفاوت از این عوامل را می‌توان در گروه‌بندی‌های زیر خلاصه کرد :

۱ - تغییر مرزها : این عامل بطور خیلی متباین می‌تواند عمل نماید و یک مرزبندی جدید که در آن مبادله و ارتباط خیلی کم انجام می‌گیرد، ارتباط یک شهر را با نواحی پشت سرش قطع خواهد کرد و می‌تواند موجب رکود اقتصادی یا حداقل عدم دسترسی به کمک‌های دولتی گردد. این پدیده را در مرزبندی‌های جدید بعد از جنگ جهانی دوم در اکثر شهرهای جهان به وضوح می‌توان ملاحظه کرد و شواهد زیادی وجود دارد که برعکس ایجاد شرایط مساعد به مبادله و ارتباط در مرزها بدنبال قراردادهای دوجانبه بین کشورهای همجوار می‌تواند بطور جدی عوامل مساعد به توسعه شهرها را به وجود بیاورد. شهرهای مرزی کشور مکزیک با ایالات متحده امریکا از آنجمله‌اند که به کمک مقررات گمرکی و مالی مخصوص موجبات استقرار کارخانه‌های مونتاژ را فراهم آورده و اثرات اقتصادی مؤثر و پیرارزش در سطح محلی بوجود آورده است. شهر هنگ‌کنگ پس از استقرار جمهوری

خلق چین و حفظ نظم استعماری انگلستان به یک قطب جاذب پناهندگان چینی تبدیل شد که به همراه این توده عظیم کارگری و به دنبال یک جریان مداوم سرمایه از نقاط پر آشوب جنوب شرق آسیا اساس اقتصاد هنگ کنگ را تغییر داده و این شهر را به یک کانون صنعتی استثنائی و متمرکز تبدیل ساخت.

۲ - آمیزش یک شهر با یک فضای جدید: این امر در کادر ملی یک کشور می تواند در تجدید حیات شهر نقش مهمی را بازی کند و اثرات این امر با اقدامات متفاوتی که از طرف قدرتهای تصمیم گیری اتخاذ می شود در دینامیک فضای شهری مؤثر می افتد. موقعیتی که پس از دستیابی مجدد فرانسه بر استراسبورگ بعد از سال ۱۹۱۸ برای این شهر بوجود آمد، نمونه ای از این نیروها در جهت افزایش دینامیک شهرها در ارتباط با آمیزش با فضای جدید می باشد.

۳ - برقراری یک مرز اختیاری در یک ناحیه همگن: این عمل بعضی اوقات به ایجاد دو جامعه انسانی با یک سایت Site مشابه برای دو کشور منجر می گردد. مثلاً قراردادهای مرزی ایران و شوروی بعد از عهدنامه گلستان منجر به توسعه دوشهر آستارا در دو طرف رودخانه آستارا گردید. یا اختلاف بین اعراب و اسرائیل در منتهی الیه خلیج عقبه منجر به ایجاد شهر «ایلات» اسرائیل در مقابل شهر عقبه شد. برعکس اگر در روابط مرزی بین دو کشور تسهیلاتی برقرار شود، شهرهای مرزی شعاع عمل و قلمرو نفوذ خود را گسترش داده و بین آنها روابطی که باعث تحرك اقتصادی می گردد بوجود می آید.

۴ - تقسیم یک سرزمین: دگرگونی طولانی در قلمرو سیاسی یک کشور (آنچه که در آلمان فدرال نزدیک به ۴۵ سال است ملاحظه می گردد) ممکن است به پراکندگی فضائی نقش های اقتصادی در سطوح بالاتر شبکه شهری منجر شود، مثلاً عدم امکان حفظ تمامیت ارضی برلین و فعالیت های اقتصادی آن در سطح بالاتر موجب انتقال بعضی از نقش های آن در شهرهای دیگر آلمان غربی گردید. موارد فوق را بعد از تقسیم ویتنام و یکپارچگی

بعدی آن، تقسیم کره، تجزیه هند، جدائی پاکستان و بنگلادش و خیلی از شهرهای افریقائی می‌توانیم ملاحظه نماییم.

۵ - استعمار و استقلال کشورها: پیش از این استعمار بطور وسیعی خواه با ایجاد شهرهای جدید یا جایگزینی شهر جدید استعماری بجای شهر قدیمی در تغییرات نقش و حوزه نفوذ شهرها مؤثر واقع می‌افتاد. نقش دوشهر نیامی و زیدر در نیجر و داکار و سن لوئی بجای همدیگر در سنگال در زمان استعمار و بعد از آن نمونه‌های روشن از این موارد هستند. بطور کلی حصول استقلال در بعضی از کشورهای استعماری با تغییر و تحول در موقعیت شهرها و شبکه شهری و آن کشورها به همراه بوده است. تغییرات در دینامیک شهرها و شبکه شهری الجزایر و قبل از آن مراکش یا مغرب بعد از حصول استقلال واضح و روشن می‌باشد.

موارد خیلی روشنتر شهرهائی هستند که پس از استقلال در جریان یک رشد اقتصادی سریع قرار گرفتند. دینامیک صنعتی سنگاپور با موقعیت ایستگاهی آن در نقش یک توقفگاه بزرگ هوائی پس از آزادی این شهر افزایش چشم گیری داشته است. همینطور استقلال امارات و شیخ نشین‌های خلیج فارس با افزایش درآمد حاصل از نفت به تغییر اساسی در ارگانیزم شهرهای این نواحی و افزایش دینامیک شهری منجر شده است.

۶ - تغییرات در نقش اداری: انتقال نقش اداری در کادر یک سازماندهی مجدد ملی و ناحیه‌ای در داخل یک دولت یا حکومت اغلب یک اثر طولانی در دینامیزم شهرهای مربوطه بوجود می‌آورد. تغییراتی که در تقسیم‌بندی‌های سیاسی و اداری در داخل کشور فرانسه از قرن ۱۹ به بعد بوجود آمده منجر به تغییرات عمده در دینامیزم شهرهای این کشور در طول یک قرن ونیم گردیده است. همینطور تقسیم‌بندیهای سیاسی و تقسیمات اداری و استانی ایران که از سال ۱۳۱۶ برقرار شده بطور واضح تغییرات در دینامیزم و گسترش کالبد فضائی شهرهای مختلف ایران را موجب شده است. این تقسیم‌بندیها ضمن تغییر در نقش و دینامیزم شهرها، در سطح

شبکه‌بندی شهرها نیز مؤثر واقع شده است^۱.
با این وصف روشن است که نقش‌های اداری که بیش از این تعیین-
کننده بودند امروز کمتر از نیروهای اقتصادی در معرفی دینامیک مناطق
شهری اهمیت دارند.

ب - فضای اجتماعی - اقتصادی شهرها :

تکیه‌گاه اقتصادی شهر بصورت یک نیروی محرکه قوی در تغییرات
داخلی شهرها عمل می‌نماید. این تکیه‌گاه معمولاً با جریان سرمایه‌ها،
نیروی انسانی، تغییرات کمی و کیفی مشاغل و همینطور خدمات و
سرویس‌های تولیدی توجیه می‌شود. روشن است که برخورد قدرتهای
اقتصادی همشیه بطور وسیع در نواحی اطراف تا داخل شهرها محسوس
می‌باشد. با اینهمه اثرات آن در داخل شهرها و نواحی ساختمان‌شده غیر-
قابل انکار است. منشاء و هدف سرمایه‌ها می‌تواند در تغییرات دینامیک شهرها
قابل سنجش باشد :

۱ - سرمایه‌های ناحیه‌ای، ملی و بین‌المللی :

- سرمایه و ثروت‌های ناحیه‌ای حاصل از منابع کشاورزی با سرمایه-
گذاری آنها در صنعت کم کم پایه‌های اقتصاد شهر را وسعت می‌بخشد. این
مورد را بطور وسیعی می‌توان در اکثر شهرهای امریکای لاتین، بویژه
آرژانتین در چهل سال گذشته ملاحظه کرد که قسمت عمده منابع حاصل
از کشاورزی در گسترش صنعت و به‌جریان‌انداختن صنایع بکار برده شده
است. پیدایش صنایع غذایی و بسته‌بندی مواد غذایی در مراکز شهری و
نواحی کشاورزی خودبخود به‌رشد سریع دینامیک شهری و در نتیجه
به‌تحولات ساختار کالبدی شهر منجر شده است. در هر مرحله از پیشرفت،
کشاورزی مشارکت خود را در تشکیلات جدید شهری به‌همراه می‌آورد و

۱ - گیتی اعتماد، فرخ حسامیان و محمدرضا حائری : شهرنشینی در ایران،
انتشارات آگاه ۱۳۶۳ - اصغر نظریان : مبانی و روش مطالعات ناحیه‌ای در ایران :
رشد آموزش جغرافیا زمستان ۱۳۶۵ شماره ۸.

اتفاقات و عوامل مؤثر در نقصان تولیدات کشاورزی نیز روی ریتم توسعه شهر منعکس می‌گردد .

– سرمایه‌های ملی : افزایش ناگهانی سرمایه و سرمایه‌گذارها چه از طرف بخش خصوصی و چه از طرف دولت با آغاز يك سلسله تغییرات در دینامیک شهرها همراه است . افزایش ناگهانی ثروت ملی و بهره‌برداریهای سریع از منابع ملی از آنجمله‌اند . در کشور کویت و اکثر کشورهای تولیدکننده نفت افزایش ناگهانی ثروت ملی با رشد سریع و بی‌رویه شهرنشینی و سرمایه‌گذاریهای وسیع در شهرها همراه بوده است . از سال ۱۳۳۲ به بعد نقش نفت در اقتصاد کشورمان به سرعت افزایش و رشد اقتصادی روز بروز وابستگی بیشتری به درآمد نفت پیدا نمود و بالنتیجه دینامیک اقتصادی شهرها را بیشتر افزایش داد . درآمد حاصل از نفت بطور عمده صرف بهبود زندگی در شهرها شد و تحولی در روند شهرنشینی پدید آورد و افزایش قیمت نفت از سال ۱۳۵۰ به بعد با سرمایه‌گذاری بیشتر آن در صنایع و توسعه شهرها دینامیک کلیه شهرها به خصوص شهرهای بزرگ را بیش از پیش فزونی بخشید^۱ .

در يك حالت کلی می‌توان وابستگی کامل مرکز تجارت (بخش مرکزی) يك شهر را با سرمایه و ارزش فعالیت‌های اقتصادی يك ناحیه ملاحظه کرد .

– سرمایه‌های بین‌المللی : این سرمایه‌ها می‌توانند سهم بزرگی در پیشرفت شهرهائی که بخاطر موقعیت مخصوص و منافع خاصی که برایشان برگزیده شده‌اند، داشته باشند ، بعلاوه می‌توانند تغییر شدیدی را در محلات مرکزی شهرها بوجود بیاورند . شهر بیروت که در گذشته بعنوان يك شهر تجارتي شناخته شده بود قبل از بحران سال ۱۹۷۵ قسمت اعظم سرمایه‌های

۱ – حسین سلطان‌زاده : مقدمه بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران . نشر آبی ،

تهران . ۱۳۶۵ صفحات ۱۸۱ – ۱۸۰ – گیتی اعتماد ، فرخ حسامیان و محمدرضا

حائری : شهرنشینی در ایران ، انتشارات آگاه تهران ۱۳۶۳ .

اعراب را که از نفت بدست آورده بودند بخود جذب وبصورت يك مكان مطمئن نگهداری سرمایه درآمده بود. عدم امنیت طولانی بیروت مقداری از این فعالیت‌های بین‌المللی وقسمت اعظم سرمایه‌ها را که پایه‌های این فعالیت‌ها بودند به جستجو برای جایگزینی جدید وادار ساخت وناظر بودیم که از سال ۱۹۷۶ رقابت شدیدی بین شهرهای مختلف خاورمیانه از جمله قاهره، امان ویا پایتخت‌های کشورهای عربی خلیج فارس در جهت جلب سرمایه‌های متواری وجود داشت.

اتحادیه اقتصادی اروپا (بازار مشترك) که در جریان دو دهه گذشته توسعه یافته است، از تعدادی از شهرهای متروپل اروپای غربی، مراکز تمرکز واستقرار برتر كانونهای اجتماعی، مؤسسات تحقیقی و اداری مختلف که فعالیت‌های چند ملیتی داشته‌اند بوجود آورده است. برای برطرف کردن این تقاضاها در شهرهای ژنو، فرانکفورت، پاریس و نیز لندن و بروكسل يك جریان سرمایه‌گذاری بین‌المللی در جهت تجدید بناهای فضای ساختمان‌شده در محلات مرکزی بوجود آورده است (نوسازی محله ل‌لوا La loi در شهر بروكسل، محله لوور در پاریس و لاپاردیو La Part dieu در شهر لیون فرانسه).

در این نوع از سرمایه‌گذاریها جهت‌گیری انتخابی به نفع مؤسسات تجاری مخصوصاً در سطوح بالا وپیشرفته گروه‌سوم شغلی که می‌توان آن‌را بنام فعالیت‌های گروه چهارم نامگذاری کرد واز ویژگیهای شهرهای متروپل فرمان‌دهنده دنیای امروز است، انجام می‌گیرد. نوسازی در مرکز شهرهای شمال امریکا، يك كانون اصلی مطلوب برای جذب سرمایه‌های خارجی بوده است.

۲ - تخصصی‌شدن شهرها در فعالیت‌های گروه سوم شغلی: در يك دید عمومی روند توسعه وگسترش شهرها بوسیله تقسیم کار، تخصصی‌شدن، افزایش آگاهی وتکنولوژی ارزیابی می‌گردد. این ارزش‌ها نه تنها رشد شهرهای بزرگ را مساعد می‌سازند بلکه يك نوع مدل از تحولات بنیادی در نقش شهرها را در کشورهای صنعتی، مستقل از تمام عوارض اتفاقی

تحمیل می‌کند، مسأله اساسی افول نسبی مشاغل گروه دوم به نفع فعالیت‌های گروه سوم و احتمالاً گروه چهارم در شهرهای خیلی بزرگ (متروپل) می‌باشد. در شهر لندن در سال ۱۹۷۵، سرویس و خدمات ۷۵ درصد مشاغل را به خود اختصاص داده بود و در همین تاریخ در شهر مسکو فعالیت گروه سوم ۷۰ درصد مجموع مشاغل را با سهم بیشتری در فعالیت‌های علمی نشان می‌داده است. تمام متروپل‌های جهان یک ترقی و جهش قابل ملاحظه‌ای در نقش خود در جهت جذب توریست و توسعه هتل‌داری می‌شناسند. لندن بطور مسلم گسترش و توسعه در این نقش را با درجه ماکزیم ثبت کرده است. در این شهر نزدیک به نیم میلیون نفر بطور متوسط در مراکز توریستی اقامت داشته‌اند و افزایش ساختمان‌سازی در هدف هتل‌داری در حقیقت جوابی برای رفع این تقاضا بوده است. این عمل به تغییر مجدد ساختمان‌ها و گاهی وقتها به تغییر کامل محلات نزدیک به ایستگاههای راه آهن و فرودگاهها منجر گردیده است. بدنبال این عمل یک عقب‌نشینی در مناطق مسکونی بوجود می‌آید. تغییرات اقتصادی شهری، تحول ساختار فضای شهری را در چهار مرحله زیر به همراه داشته است.

– مرحله اول: فعالیت سرویس‌های محلی، ساختمان‌سازی، استقرار مقدماتی صنایع.

– مرحله دوم: پیدایش فضاهای بزرگ صنعتی.

– مرحله سوم: تفوق و برتری سرویس و خدمات متفاوت.

– مرحله چهارم: گرایش جمعیت فعال بطرف یک حد معین و ثابت، در حالیکه عوامل اشباع و تغییرات اقتصادی، مهاجرت بعضی از فعالیت‌ها را منجر شده است.

این مسأله حتی در کشورهای صنعتی نیز استثناهایی دارد. بعنوان مثال می‌توان شهرهایی مثل واشنگتن را که آنجا عملاً صنعتی شدن وجود نداشته و امروز ترقی سریع اقتصادی خود را مدیون افزایش فعالیت‌های گروه سوم در سطح خیلی بالا می‌داند، ذکر کرد. در یک مفهوم دیگر می‌توان یادآور شد که غالباً شهرنشینی و صنعتی شدن بطور اجبار بهم وابسته نیستند،

مثلاً در اروپای مرکزی در ناحیه هال Halle آلمان، استقرار مراکز خیلی پیچیده صنایع شیمیایی در بین دو جنگ در اطراف لونا Lewna به مراکز صنایع قدیمی هال اختصاص نداشتند بلکه به قصبات نزدیک که ساکنانشان در واقع کارگران روستایی بودند مربوط بوده است.

عوامل اقتصادی پیش از توسعه ارتباطات مخابراتی یکی از علل عمده تمرکز جمعیتی بوده است ولی امروزه، توسعه مخابرات می تواند در عدم تمرکز جمعیت در نواحی جغرافیایی نقش فعالی ایفا نماید. در رابطه با این مسائل است که محققاً تعدادی پیش بینی های ارزشمند با در نظر گرفتن دوران مابعد صنعتی اظهار شده است. بر مبنای این اظهار نظرها، جوامع انسانی بطرف شکلی از وضع اقتصادی گرایش پیدا می کنند که در آن حداقل ۷۰ درصد درآمد ناخالص ملی P. N. B. از فعالیت های خدماتی تولید می شود و نرخ شهرنشینی در حدود ۹۰ درصد قرار می گیرد. داده های جدید اقتصاد جهانی شاید این نقطه نظرهای آینده نگر را تأیید نکند یا حداقل این عمل را در یک دوران میان مدت کمتر محتمل سازد.

۳ - تغییرات شدت تمرکز دینامیزم اقتصادی شهر - تغییرات دینامیزم اقتصادی شهر از تقارن و تفاوت های اقتصادی در کوتاه مدت، بلندمدت و میان مدت بوجود می آید. در تمام موارد اثرات این تغییرات روی ریتیم تغییرات فضای ساخته شده شهری مشخص و روشن است. بحرانهای موجود در دنیای غرب از سال ۱۹۷۳ بروشنی در روی شهرها منعکس است (مثل ترمز برنامه های نوسازی، معوق ماندن معاملات مستغلاتی) این تغییرات از عواملی پیش می آیند که می توان بشرح زیر طبقه بندی کرد:

- جو اقتصادی ناحیه می تواند بمانند یک عامل مساعد (مثل شهرهای اقماری پاریس در سی سال گذشته) و یا یک عامل نامساعد (مثل قسمت اعظم حوزه های ذغالی اروپای غربی در همین سالها) عمل کند.

- بوجود آمدن موقعیتی که مخصوص یک بخش از فعالیت های اقتصادی می باشد. این عامل اغلب با جو اقتصادی سابق و بر حسب طبیعت مؤسسات مهم تقارن پیدا می کند.

این مسائل با حداقل عواقب ناشی از این موقعیت‌های اقتصادی، بنظر می‌رسد که بیش از همه روی شهرهایی که بريك نوع فعالیت اقتصادی پایه‌گذاری شده‌اند اثر می‌گذارد. در این مورد مثالهای محدودی از شهرهای معدنی اروپا که متروك گشته‌اند وجود دارد. این ريسك در مورد شهرهایی که تحت نفوذ يك مؤسسه تولیدی قرار گرفته‌اند نیز وجود دارد مثل شهر روچستر با مؤسسه كداك. انطباق جدید ساختار اقتصاد داخلی با يك سری فعالیت‌های جدید می‌تواند بهترین تضمین برای ادامه دینامیزم شهر باشد. این انطباق در ارتباط با وجود تعداد بیشتری از کارخانجات كوچك یا متوسط که حداکثر امکانات را برای فعالیت‌های فرعی مساعد به انطباق از خود نشان می‌دهند تحقق می‌یابد. شهرهای بیرمنگام و بوستون از شهرهایی هستند که در آنها تنزل حاصله از صنعت قدیم نساجی از سال ۱۹۴۰ بوسیله تغییر نقش شهر بطرف صنایع مکانیکی و الکترونیکی دقیق جبران شده است. این صنایع در نتیجه وجود مراکز تحقیقاتی اما با استفاده از وفور کارگران زن به تحرك درآمده‌اند. با این وصف نمی‌توان خیلی سیستماتیک و دقیق ریتم‌های اقتصادی و شهری را بهم مربوط کرد. در نتیجه به غیر از بقایای عوامل را که گذشته مکانیزم‌های تغییر و انتقال فعالیت و نقش، در شهر وجود ندارد. این پدیده را بعنوان مثال می‌توان در تعدادی از بنادر كوچك اروپای غربی، آنجا که زوال اساس اقتصاد سنتی صید بوسیله يك سلسله از فعالیت‌های توریستی و تفریحی جانشین شده است، مشاهده کرد. سیر قهقرائی مداوم یا رکود کامل در توسعه شهرها که با محدود شدن پایه‌های اقتصادی بوجود آمده باشند خیلی کم مشاهده می‌شود. این پدیده را نزدیک به چند دهه است که در مورد شهرهای معدنی كوچك اروپائی با اثرات زنجیره‌ای، عدم سرمایه‌گذاری، کاهش تعداد مشاغل، کنترل سرویس، خدمات و ساختمان‌سازی و تحدید محدوده شهری که شهر را خواه به ترك جمعیتش و خواه به تغییر آن به يك مجتمع مسکونی استراحتگاهی در مقابل مراکز خیلی فعال تبدیل می‌کند، می‌توان ملاحظه کرد (دره‌های گال جنوبی در مقابل باند ساحلی در انگلستان).

۴ - دینامیک شبکه شهری: کل شهر نه تنها در یک محدوده کلی مشخص ثبت شد بلکه هر یک از فعالیت‌هایش مخصوصاً فعالیت‌های خدماتی آن کاملاً وابسته به موقعیتی است که شهر در داخل یک سیستم شهری، ناحیه‌ای یا کشوری اشغال کرده است. همینطور با تغییر جریانات و روابط بین آنها که بدان وسیله شهر با هسته‌های مختلف مربوط شود، دینامیک شهر تغییر می‌یابد.

در این رابطه عوامل اساسی زیر در ارتباط با مفهوم شبکه شهرها قابل ذکرند:

- در اکثر شبکه‌های شهری، فعالیت‌های خدماتی به تجمع در یک کانون یا در مکانهای مرکزی که بنا به نقش و اهمیت خود، سلسله مراتبی را در ترکیب فضایی شهر اشغال می‌کنند گرایش پیدا می‌کنند.

- هر یک از این فعالیت‌های خدماتی برای اینکه قابل دوام باشد، آستانه‌ای از حداقل جمعیت را طلب می‌کند که سهمی از این جمعیت در مرکز شهر و بقیه در یک فضای کمربندی اطراف یا حوزه نفوذ آن پخش می‌گردند.

- ابعاد این حوزه نفوذ بنا بر فاصله‌ای که برای مصرف‌کنندگان قابل دسترسی و قابل قبول باشند تنظیم می‌شوند. این کار باعث نفوذ تکنیک ترانسپورت و همینطور گسترش آن و یا تقاضای سرویس‌های متفاوت می‌شود. اینجاست که تئوری مکانهای مرکزی متشکل از یک شبکه با حلقه‌های منظم معرفی می‌شود که هر گره آن یک مرکزی را که با یک سلسله مراتبی تنظیم شده‌اند نشان می‌دهد. این سیستم با شکل‌گیری فضایی تعادل نسبتاً موقتی را نشان می‌دهد که محرک‌های خارجی زیاد با اثرات قابل توجه در سطح هر یک از شهرها می‌توانند این سیستم‌ها را تحت تأثیر قرار دهند. این اثرات قابل توجه به شرح زیر هستند:

الف - روند تاریخی: دینامیک شبکه‌های شهری در مراحل مختلف تاریخی قابل ملاحظه هستند. مثلاً در ناحیه گال در انگلستان ملاحظه می‌شود که در آغاز خانه‌های بیلاقی بطور آمرانه توسط پادشاهان انگلیسی فاتح

در این منطقه مستقر شدند ، سپس این جوامع انسانی با نقش‌های اداری و نظامی در مناطق روستایی رها شده و در آخر با ترقی اقتصادی در جریان قرن ۱۸ این شبکه تحمیلی تحول و گسترش پیدا کرده و به یک سیستم مراکز سرویس مفید تبدیل گردیدند .

بدین ترتیب یک سلسله مراتب جدید به نسبت تحولات اقتصادی برقرار شده بود . رشد استخراج معادن و پیشرفت صنعت که بدنبال آن بوجود آمد بنوبه خود موجب ایجاد کانونهای شهرنشینی جدید گردید که از نو شبکه موجود را تغییر داده و این موفقیت دینامیکی اخیراً با رکود جوامع مسکونی معدنی تغییر یافته است و استقرار انتخابی صنعت در بعضی از شهرهای کوچک امکانات داخلی این ناحیه را به نواحی و شهرهای مسکونی شبانه در مقابل کانونهای صنعتی جدید تغییر داده است

در ایران نیز نمونه‌های زیادی از این تغییرات در شبکه شهرها را در طول تاریخ بموازات تغییر پایتخت و تغییر در بهره‌برداریهای اقتصادی می‌توان ملاحظه کرد. تغییر پایتخت از دوره صفویه از آذربایجان به طرف اصفهان و سپس بطرف تهران با تغییر دینامیک شبکه شهری ، سلسله مراتب جدید در نظام شبکه شهری ایران را موجب گردید . پیدایش قطب‌های جدید بهره‌برداری از منابع زیرزمینی در طول تاریخ و نصب صنایع در شهرهای مختلف ، نظم جدیدی را در شبکه شهری ایران بوجود آورده است .

ب - حاکمیت طولانی شهرهای بزرگ در رأس شبکه شهری در یک مدت طولانی : در فرانسه تفوق اغلب شهرهای متروپل در طول چندین قرن تغییر نیافته است برای اینکه بنیادهای اساسی و پایه‌ای بطور کافی قوی است (سابقه و مزیت شهر با بهترین تجهیزات) و با یک سلسله فعالیت‌های گسترده بوسیله خود شهر حفظ شده است . با این وصف یک عامل خارجی می‌تواند در درازمدت تساوی دوشهر متروپل یا تعادل یکسان آنها را بهم بزند. اگر تا سال ۱۷۷۷ شهر میلان و ونیز جمعیت یکسانی داشتند ، پیوستگی طولانی شهر ونیز به قلمرو کشور اطریش تفوق میلان را فراهم کرد . شهر اورلئان که تا سال ۱۹۳۶ مهمتر از تور بود از این سال جایش را به حریف خود

می‌دهد. برای اینکه با قطع شدن کشتیرانی روی رودخانه لوآر، شهر اورلئان اهمیت و موقعیت مخزنی و انباری خود را از دست می‌دهد.

ج - ظهور عوامل جدید در سطوح متوسط و پائین شبکه شهری: ممکن است در سطوح متوسط و پائین یک شبکه شهری بر حسب انتشار متفاوت نوآوری‌ها و عوامل جدید توسعه، و بر حسب نتایج حاصله از زیربناهای اقتصادی یا ظهور عوامل جدید اقتصاد ناحیه‌ای، شبکه شهری تغییر نماید. ایجاد محورهای اتوبان و مخصوصاً احداث چهار راههای انشعاب رفت و آمد (راههای خروجی) در حال حاضر چون یک عامل خیلی مؤثر، نظم شبکه شهری را بهم زده است. مسلماً عدم دسترسی مستقیم به اتوبان موجب روبه‌ضعف گذاشتن یک شهر می‌گردد. با این وصف اگر در گذشته، نوآوری از مرکز یک شبکه شهری به اطراف آن با تأخیر منتشر شده است، امروز زمان انتشار نوآوریها (جاده‌ها، اتوبانها و غیره) بطور قابل ملاحظه‌ای کمتر شده است و ابداع و نوآوری خیلی سریع در داخل یک سیستم و شبکه شهری جریان پیدا کرده و بنابراین احتیاجات قدرت عمومی انحرافات موجود را در تشکیلات مرتفع یا اصلاح می‌کنند.

د - در کشورهای پیشرفته امروز، تغییر و دستکاری در شبکه موجود شهری دستور کار می‌باشد. مثلاً در انگلستان تزریق شهرهای جدید در بیکر شبکه موجود شهری خیلی اهمیت پیدا کرده است. اگر چه بعد و ارزش این شبکه‌ها به این شهرهای جدید اجازه نمی‌دهد که نقش مهم و تعیین کننده‌ای در یک شبکه و سلسله مراتب شهری بازی نمایند ولی حداقل وجود این شهرهای جدید، تحول مراکز کوچک ناحیه‌ای را موجب می‌شود.

هم‌چنین شایسته است تغییراتی را که بطور وسیع در مجموعه یک فضای جغرافیایی انجام می‌گیرد مورد توجه قرار داد. این تغییرات می‌توانند بر روی جاذبه‌های انسانی و سرمایه‌گذارها اثر گذارد. سرشماریهای اخیر دولت شوروی حرکات مهاجرتی پلاریزه در مناطق جنوبی را به ضرر نواحی سیبری و قطب شمال نشان می‌دهد.

در کشورهای جهان سوم نفوذ پلاریزه (قطبی‌شدن) پایتخت‌ها نظام

خاصی از شبکه شهری را بوجود آورده است و امروز تغییر این نظام و شبکه شهری و پایین آوردن نفوذ قطب گرایی پایتخت در دستور کار اکثر کشورهای جهان سوم قرار دارد.

ه - مفهوم جدید شبکه شهری در یک اقتصاد خیلی پیشرفته و متحرک: در مفهوم خیلی متحرک اقتصاد پیشرفته امروزی، مفهوم شبکه شهری اهمیت و شکل دیگری بخود می‌گیرد، تقسیم کار در شهر به تقویت تخصص منجر می‌شود. بدین ترتیب شهرهای بزرگ بصورت مراکز تحقیق و تصمیم‌گیری درآمده و شهرهای کوچک نقش مراکز تولیدی را بدست می‌آورند. تحقیقی که در لهستان انجام گرفته نشان می‌دهد که شهرهای کوچک هرگز در یک سلسله مراتب شبکه شهری وارد نمی‌شوند و ملاحظه می‌کنند که تخصصی شدن در یک نقش و فعالیت خاص، شهرهای متوسط را تحت نفوذ قرار داده است. چون یک سوم کارکنان این شهرها در فعالیت‌های تخصصی آن شهرها اشتغال دارند. در صورتیکه شهرهای بزرگ به مراکز تصمیم‌گیری و خدماتی تبدیل شده‌اند.

ایجاد نواحی شهری که از انفجار گسترش جوامع انسانی بوجود آمده‌اند بررسی مجدد و تجدید نظر در مفهوم سلسله‌مراتب شهری و تئوری مکان‌های مرکزی را ضروری می‌سازد. انتقال نقش‌ها و ایجاد شهرک‌های جدید و مفهوم «مرکز شهر - حومه» در کاهش یا تخصصی شدن مرکز اصلی سیستم اثر می‌گذارد. با وجود این یک ترکیب فضایی منظم در مورد خرده‌فروش‌ها و عوامل مصرف عامه و ضروری حفظ می‌شود.

ی - ظهور طبقه جدید ممتاز یا متمایز در بخش فعالیت‌های گروه سوم شغلی که اصطلاحاً گروه مجهز به تکنیک و ابزار و ادوات پیشرفته امروزی در بخش خدمات را دربر می‌گیرد و بنام بخش فعالیت‌های گروه چهارم شغلی نامگذاری می‌شود، پدیده و عامل جدید مؤثر در تغییرات شبکه شهری امروز می‌باشد. علیرغم ترقی ارتباط مخابراتی، انفرماتیک و کامپیوتر، پراکندگی فعالیت‌های خدماتی بطور نامساوی انجام می‌گیرد. اگر فعالیت‌های گروه سوم شغلی غالب و متداول یک مجموعه متفاوت و گسترده

از استقرار شهرها را عرضه می کنند. برعکس ارکان وابسته صنعتی، بانکی و تمام فعالیت هایی که به این بخش مربوط هستند بطور وسیع بوسیله شهرها متروپل جذب می گردند. چون در همین شهرهای متروپل است که اغلب نیروی انسانی، ثروت و قدرت سیاسی مستقر شده اند، بعلاوه همین جاست که منشاء حقیقی سلسله مراتب شهری یعنی ژنراتور عظیم نوآوریها قرار گرفته است. یکی از دانشمندان بنام پوتنام Putnam، ضمن آنالیز استقرار مواضع اجتماعی مؤسسات تجاری بزرگ در ایالات متحده امریکا تعداد این مؤسسات را در نیویورک ۱۶۳، در شیکاگو ۵۱، پیتزبورگ ۲۱، در لوس آنجلس ۱۶ و در سانفراسیسکو ۱۴ گزارش می کند. با این وصف شکی نیست که هرپراکندگی در نقش دو طیفه می تواند تغییر پیدا کند و این عمل امکان اجرای عملیات ارادی در دینامیک عمومی یک ناحیه مشخص را فراهم می آورد.

۵ - کنترل کامل تحولات شهری: در عصر حاضر ناظر افزایش دخالت های ارادی دولتها چه بر ابعاد شهری و نقش آنها و چه روی ریتم تحولات شهرها در حالت انتزاعی و یا دسته جمعی آنها هستیم. مثال خیلی روشن کشوری چون لهستان است که در آنجا برنامهریزی اقتصاد ناحیه ای بطور جدی با سیاست شهر و شهرنشینی همگام است. در مراحل اولیه، سرمایه گذارهای صنعتی بطرف شهرهای بزرگ و آنهایی که دارای زیرسازی مناسب می باشند، متوجه بودند که با افزایش جمعیت و با کمبود واحد مسکونی و سرویس همراه بوده است در نتیجه در مرحله دوم، ارتقا و گسترش شهرهای کوچک و متوسط مورد توجه قرار می گیرد. در حالی که سعی می کنند ترمزی در جهت مهاجرت بطرف شهرهای بزرگ فراهم آورند. یک سیاست مؤثر بر عدم تمرکز صنعتی در فرانسه در مدت زمانی نزدیک به سی سال ولی با تأخیر توانسته است با یک برنامهریزی شهری واقعی در سطح کشوری و ناحیه ای همراه شود. اما این موضوع در کشوری مطرح است که شهرنشینی در آنجا توسعه کامل دارد و تصمیم مجدد در تغییر سرمایه گذاری، موقعیت شهری موجود را بهم می زند. بطور کلی دو نوع دخالت در توسعه

شهرها می‌توانند مورد توجه قرار گیرند :

الف - جلوگیری از رشد شهری می‌تواند يك انگیزه ایدئولوژیکی یا سیاسی داشته باشد ، این عمل بیشتر روی پایتخت‌ها اعمال می‌شود . زیرا پایتخت مظهر و سمبل يك دولت یا يك رژیم قبلی است و بعد از يك انقلاب فاتح اصولاً پایتخت‌ها دستخوش این تغییر می‌باشند . بلشویکها علیرغم پایین آوردن درجه سن پترزبورگ (لنینگراد کنونی) تا سال ۱۹۳۰ در مورد واگذاری این موقعیت برای مسکو و همینطور حفظ ساختمانهای عظیم لنین گراد که بعنوان يك میراث فرهنگی در پایتخت قدیم بود، مردد بودند. در این نزدیکیها انقلاب فیدل کاسترو در کوبا يك دوره ریاضت و سختی را به شهر «هاوانا» از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۹ تحمیل کرد که نتیجه آن رکود کامل ساختمان‌سازی و کیمیایی واحدهای مسکونی بود . يك حالت تجدید پایتخت با محدودیت کامل برای شهر پنوم‌په در کامبوج که عملاً جمعیت آن توسط خمرهای سرخ در سال ۱۹۷۵ خالی شده بود ارائه شده است . تا سال ۱۹۵۷ چینی‌ها با تفوق و ارجحیت دادن به صنایع سنگین مهاجرت روستائی و گسترش شهرنشینی را بموازات آن فراهم آوردند، ولی از آغاز ۱۹۵۸ بدلیل وانگیزه‌های ایدئولوژیکی بخاطر از بین بردن اختلافات شهر و روستا و تشکیلات اداری برتر شهری ، يك سیاست عقب‌نشینی در توسعه شهرنشینی را که جزیی از انقلاب فرهنگی بوده است بموقع اجرا گذاشتند. با این وصف شکی نیست که اگر از يك طرف ترمز حتمی توسعه، شهرهای متروپل شرقی چین مثل شانگهای را متأثر کرده است از طرف دیگر چین بطرف يك شهرنشینی برمبنای اصول مرکزیت دموکراتیک گرایش پیدا می‌کند و تلاش مثبت در تنظیم کامل شهرنشینی جدید در رابطه با استقرار صنایع در داخل کشور وجود دارد . همینطور در کشورهای جهان سوم خارج از مفاهیم انقلابی يك جریان علیه تفوق و برتری پایتخت از يك نسل به این طرف برقرار شده است . سیاست عدم تمرکز و محدود کردن پتانسیل اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی پایتخت بعنوان يك شهر برتر و پرجمعیت از سیاستهایی هستند که امروزه در بعضی از کشورهای جهان سوم از جمله ایران

بمورد اجرا گذاشته شده است. سیاست کنترل توسعه شهر تهران با شیوه‌های خاص از جمله صدور مجوز خرید واحد مسکونی در تهران بعد از انقلاب اسلامی تا دو سال پیش از یک طرف به محدود کردن شعاع توسعه و گسترش واحدهای ساختمانی منجر و از طرف دیگر به پیدایش قطب‌های جمعیتی در شهرکها و در اطراف شهرستانهای نزدیک تهران از جمله کرج منتهی شده است. با اینکه علیرغم محدودیت‌های اعمال شده، شهر تهران از گسترش و توسعه باز نایستاده است، ولی اعمال این سیاست‌ها روی ریتم گسترش فضائی شهر تهران و انجام عملیات ساختمان‌سازی در فضاهای خالی داخل شهری مؤثر بوده است.

ب - کنترل رشد پایتخت بعنوان یک امر ضروری و اساسی در بعضی از کشورهای پیشرفته مخصوصاً در اروپای غربی بطور پیوسته است. این امر در عین حال که بدلیل هزینه‌های اقتصادی جریان کار و رشد توجیه می‌شود در هدف گسترش موزون سرزمین ملی نیز انجام می‌گیرد. نمونه بسیار قدیمی مورد شهر لندن است که از سال ۱۹۴۶ تحت نفوذ یک فشار و تنگنای مضاعف قرار گرفت: محدودیت طبیعی با ایجاد یک کمربند سبز، تشویق و ترغیب جدی به عدم تمرکز فعالیت‌های گروه دوم و سوم شغلی. شهرهای پاریس و لیون در سطح حرفه‌های قدیمی و فرسوده خود مسائل مشابهی را مطرح می‌کنند. در فرانسه چندین سال است شاهد سیاستی هستیم که بتواند اساس یا زیربنای موجود شهرهای متوسط را تقویت کند و این کشور با کند کردن رشد ناحیه پاریس و ضمن دادن یک نیروی محرکه از سال ۱۹۶۴ به استانهای دیگر و به شهرهای بزرگی که استعداد کافی برای ایفای رل شهر متروپل در مقابل پاریس را دارند، سیاست جدیدی را اعمال کرده است. علاوه بر این تقاضا و ضرورت سیاسی حفظ پاریس در ردیف اول در بین شهرهای متروپل جهان از آخر سال ۱۹۵۰، این شهر را بطور سیستماتیک به تقویت سهم گروه خدماتی در سطوح بالاتر و تخصصی‌تر برای یک پایتخت همراه با برنامه‌ریزی مهم و سریع وزیربنائی در ایجاد راهها در هدف افزایش جریانات رفت و آمد بین شهرها هدایت کرده است. ایدئولوژی

رشد ، بطور جنبی به این هدف سیاسی کمک کرده و به هدف دیگری که عبارت از برتری کیفی است ، امکان داده است . از سال ۱۹۷۱ فرانسه بدون اینکه نقش بین المللی پاریس را به خطر بیندازد قصد دارد که با بازگردانیدن و مورد توجه قرار دادن ارزش های فرهنگی ، این شهر را نیرو بخشد .

خارج از کشورهایی که دارای يك اقتصاد برنامه ریزی شده کامل هستند ، اثرات واقعی عملیات ارادی قابل سؤال و بررسی است . به عقیده بعضی از دانشمندان يك تغییر در تولید ناخالص ملی ولو اینکه کم اهمیت باشد از تمام کوشش های برنامه ریزان در جهت افزایش تعداد مشاغل پراهمیت تر است . برای تأیید این نظریه تشدید تغییرات انجام یافته در شهرهایی مثل کاراکاس ، سئول ، تهران ، حکومت های جنوبی خلیج فارس و ترکیه بموازات نرخ افزایش تولید ناخالص ملی قابل قبول ، قابل ذکر است .

خلاصه و نتیجه :

در دنیای امروز يك حرکت انفجاری دائم التراید که صحیح یا غلط شهر و شهرنشینی نامیده می شود بوجود آمده است . در این رابطه ضروری است که قضاوت بین آنچه که ظاهر می شود و آنچه که از این ترقی به واقعیت می پیوندد مورد توجه قرار گیرد . بعضی از این پدیده ها با فرم های تازه و مورفولوژیکی و در رابطه با رل و نقش خودشان جز روابط خیلی مبهم با آنچه که بطور سنتی شهر نامیده می شود ندارند . در زمانهای قدیم شهر محصور و محدود شده با حصار و دروازه ها ، خود را بلافاصله از نواحی مجاور خود مشخص می کرد ، اما بتدریج که پیشرفت تکنیکی و جمعیتی به تغییرات حاصله از اختلافات و جنگها اضافه شد ، نتایج حاصله از آنها آشکار گشته و شهرها از محدوده قدیمی خود خارج شدند . بدنبال توسعه ترانسپورت و قدرت ذخیره مواد غذایی و مواد اولیه برای يك توده بزرگ از جمعیت در يك مکان و در نتیجه گسترش صنعت ، این شهرها از نظر تعداد جمعیت رشد کردند . در نتیجه شهرها با کالدهای فیزیکی مختلف بر حسب

درجه توسعه اقتصادی، هدف‌های سیاسی، توسعه وسایل حمل و نقل عمومی ظاهر شدند. بعلاوه در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته، نفوذ تمدن شهری در روستا همگنی بین شهر و روستا را بیشتر کرده و نتیجه اینکه امروز شهر و ناحیه غیرشهر ویژگیهای متمایزی را بعزت توسعه انقلابی ارتباطات، ترانسپورت و صنعتی شدن که در تمام فعالیت‌ها و حتی در کشاورزی نیز ایجاد شده است، نشان نمی‌دهند و در نتیجه عمومیت یافتن تعلیم و تربیت و تعمیم فرهنگ یکنواخت تمایزی بین آنها نمی‌توان قایل شد.

توجه به فاکتور زمان بر حسب حالات و کیفیات مختلف تحولات تاریخی پیچیده، عدم توالی و تسلسل مستعد به تغییر محسوس یا تعادل و جفت و جوربهای جدید در ساختار کالبدی شهرها، مطالعات جغرافیای شهری را بتدریج تغییر داده است. توجه جغرافیدانان که قبل از هر چیز به چهره‌های محسوس شهر با کالبد فیزیکی آن گرایش می‌یافت، به معیارهای فضایی تغییر یافته در زمان تحت نفوذ عوامل خارجی از جمله عوامل اجتماعی، فرهنگی، دموگرافیک و بطور مؤثر اقتصادی سوق داده شده است.

سیمای همیشگی فضای کالبدی شهرها تحت تأثیر نیروها یا مکانیزم‌هایی قرار می‌گیرند که در زمان با پیشرفت‌های اجتماعی - اقتصادی تحول پیدا می‌نمایند و در ضمن اینکه چهره و منظر جدیدی را به کالبد فیزیکی شهرها تحمیل می‌کنند، زمینه تغییرات عمده در محتوی و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی شهرها را فراهم می‌کنند.

اگر در اعصار گذشته قالب شهر بیشتر در وابستگی شهر به ناحیه و موقعیت سیاسی و استراتژیکی آن شکل می‌گرفت و کالبد شهر بدون توسعه فضایی ولی با وصله کاربهای مستمر و نوسازی‌های پراکنده در زمان به زندگی خود ادامه می‌داد، با انقلاب صنعتی زمینه‌های گسترش فضایی شهرها فراهم می‌گردد و بعد از جنگ جهانی دوم به اوج ترقی خود می‌رسد تا آنجا که امروزه کنترل فضایی شهر مورد توجه قرار می‌گیرد. از طرف دیگر محتوای کلی شهرها با تحولات اقتصادی - اجتماعی تغییر حاصل می‌نماید و با گذشت زمان شهرها ساختار اجتماعی - اقتصادی خود را در درجه اول

دینامیک شهری یا ... ۱۴۱

در توسعه اقتصادی و در مراحل بعدی در تصمیم‌گیریها و برنامه‌ریزیهای
مستمر بالمآل در کنترل کامل قالب و محتوی طلب می‌نمایند .

ادامه دارد



منابع

- 1 – CLAUDE – CHALINE: La dynamique urbaine P. U. F. Paris 1980.
- 2 – BEAUJEU – GARNIER. Jacqueline: geographie Urbaine Armand–
Colin: Paris 1980.
- 3 – BEAUJEN – GARNIER. Jacqueline et CHABOT G-Corges.
Traité de Geographie Urbaine: Armand. Colin. Paris 1969.
- 4 – PLANCHAIS Jean: Cités Geantes Le monde et Fayard Paris 1978.
- 5 – DERRUAU MAX: Géographie humaine. Armand-Colin Paris 1976.
- ۶ – گیتی اعتماد ، فرخ حسامیان و محمدرضا حائری : شهرنشینی در ایران.
انتشارات آگاه سال ۱۳۶۳ .
- ۷ – حسین سلطانزاده : مقدمه تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران . نشر آبی
تهران ۱۳۶۵ .
- ۸ – حسین سلطانزاده : روند شکل‌گیری شهرها و مراکز مذهبی در ایران .
انتشارات آگاه سال ۱۳۶۲ .